



تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۱



بررسی اجمالی اعتقاد به منجی در ادیان و مکاتب

چکیده

نوشتار حاضر ذیل مسئله منجی باوری و موعودگرایی در ادیان و مذاهب تلاش نموده و سعی در یافتن ریشه‌های اندیشه موعودگرایانه و یاورطلبانه انسان‌ها در پی مدت‌ها رنج و محدودیت‌های متفاوت و گسترده، برآمده است.

این پژوهش از نوع موضوع محور در گروه پژوهش‌های دینی و در حیطه مسائل مربوط به انسان و اعتقاداتش و شامل پرداختن به مبانی اعتقادی و فکری ادیان و مذاهب می‌باشد که با هدف یافتن شاخه‌های وحدت‌گرایانه در تفکرات و اعتقادات ملت‌ها و جوامع انسانی در جهت حرکت در مسیر ظهور، تبیین شده و با کمک گرفتن از منابع متفاوت، قومیت‌ها، آیات و روایات موجود در متون قدیمی و کهن به تفسیر و بیان مبانی روایی، تفسیری، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی ملت‌ها پرداخته است.

واژگان کلیدی: ادیان، موعود، آخرالزمان، منجی.



طرح بحث

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»

و حَقًّا که ما در زبور (داود) پس از ذکر (تورات موسی) و در قرآن پس از آن کتاب‌ها، نوشتیم و مقرر کردیم که همانا این زمین را بندگان صالح من به ارث خواهد بود. (انبیاء/ ۱۰۵)

عقل همواره درصدد پاسخگویی به مجموعه آمال و خواسته‌های منطقی و غرایز انسانی که از آن تعبیر به نظریات می‌کنیم بوده است. یکی از غرایز انسانی احساس عدالت خواهی است و حرکت به سوی عدالت اجتماعی نقطه آغاز و اصالت مهدویت را شکل می‌دهد.

پاره‌ای از مسائل و نیازهای بشر طی زندگی دنیا و در این جهان قابل تحقق بوده و پاره‌ای دیگر در این عالم قابل تصور نمی‌باشد، بنابراین نیاز به وجود مصلح جهانی برای ساختن جامعه آرمانی و ایجاد شرایط ایده آل بشری همواره از مهم‌ترین نیازهای بشریت بوده و اساس یکی از دغدغه‌های فکری او را تشکیل داده است و تاریخ- صرف نظر از نوسانات آن- گواه این دغدغه اجتماعی است.

در این نوشتار تلاش می‌شود دیدگاه ادیان و مذاهب در به رسمیت شناخته مسئله «ظهور منجی» به‌طور اجمال مورد بررسی قرار گرفته و عقاید مشترک جهت پیمودن مسیر آمادگی برای ظهور، ارائه شده و قدمی هر چند اندک در همسویی ادیان و مذاهب به سوی ظهور برداشته شود. به امید آنکه مفید فایده باشد.

الف. ضرورت بحث از منجی

شاید بتوان گفت در طول اعصار و قرون هیچ موضوع به اندازه قیام مصلحی جهانی- که تمامی بشریت را به سوی سعادت و نیکبختی ابدی رهنمون می‌سازد و داد مظلومان را از ظالمان بازمی‌ستاند- فکر آدمیان را به خود مشغول نداشته است و از این رو اقوام و مذاهب گوناگون هر



یک به نوعی در انتظار ظهور ابر مردی که سمبل تمام آرمان‌های بشر به حساب می‌آید به سر می‌برد تا سرانجام روزی جهان را از عدل و داد پر سازد. (شفیعی سروسستانی، ۱۳۷۶: ص ۳۱)

این فریاد دادخواهی در نفوس بشری خود، محکم‌ترین دلیل برای بحث از منجی است و ضرورت و اهمیت آن را می‌نمایاند.

ب. آینده بشریت

درباره‌ی آینده بشریت نظرها مختلف است؛

بعضی معتقدند که شر و فساد و بدبختی، لازمه لاینفک حیات بشری است و بنابراین زندگی بی‌ارزش است.

بعضی دیگر اساساً حیات بشر را ابتر می‌دانند، معتقدند که بشر در اثر پیشرفت حیرت‌آور تکنیک و ذخیره کردن انبارهای وحشتناک وسایل تخریبی، رسیده به مرحله‌ای که به اصطلاح با گوری که با دست خود کنده، یک گام بیشتر فاصله ندارد (مطهری، بی‌تا: ص ۵۸)

نظریه سوم این است که نه شر و فساد لازم لاینفک طبیعت بشر است و نه جبر تمدن فاجعه خودکشی دسته جمعی را پیش خواهد آمد. آینده‌ای بس روشنی و سعادت‌بخش و انسانی که شر و فساد از بیخ و بن برکنده خواهد شد در انتظار بشریت است. (مطهری، بی‌تا: ص ۵۸)

نگرش مثبت، نگرشی است که بیشترین معتقدین به ماوراء و خدا و نیز بیشترین باورمندان به ادیان ابراهیمی و غیر ابراهیمی بدان باور داشته و نشاط و بالندگی فرد و اجتماع را در گرو آن می‌دانند (الهی نژاد، ۱۳۸۷: ص ۸۷)

از این و در همه قرون و اعصار آرزوی یک مصلح جهانی در دل‌های خداپرستان وجود داشته و این آرزو نه تنها در میان پیروان مذاهب بزرگ، مانند زرتشتی و یهودی و مسیحی و مسلمانان سابقه دارد، بلکه آثار آن را در کتاب‌های قدیم چینیان و در عقاید هندیان و در بین اهالی می‌توان یافت. (بیدی، رنجبر زاده، ۱۳۹۳: ص ۵۵)



مرام‌ها و آیین‌های بشری هم این وعده را داده‌اند که چنین حالتی ایجاد خواهد شد. حتی آن‌ها که غیر الهی بودند، یعنی مکاتب غیر الهی، مارکسیست‌ها و همان‌هایی که زمانی قدرت و شوکتی داشتند، آخرین حرفی که می‌گفتند این بود که در نهایت جامعه به حکومت پرولتاریای کارگری خواهد رسید و این یعنی حاکمیت عدالت اجتماعی، یعنی کل جامعه زیر فرمان عدل قرار می‌گیرد. همان‌ها که کمونیست بودند و اعتقادی الهی نداشتند. آن‌ها نیز چنین سیری را برای بشر می‌دیدند. (انصاری، ۱۳۸۳: ص ۱۰۹)

تنها فرق مذهب با مکاتب خوش بین سیاسی و فلسفی در این است که مذاهب درباره آینده با قاطعیت و صراحت اظهار نظر می‌کنند در حالی که اظهار نظر مکاتب از آن قاطعیت و صراحت برخوردار نیست. همچنین مذاهب از صفات و ویژگی‌های رهبر آینده و نحوه عملکردش بحث کرده‌اند، در حالیکه چنین بررسی‌هایی از سوی پایه‌گذاران مکاتب وجود ندارد. بر این اساس آن‌ها که خدا را می‌پرستیدند و به رهبری انبیاء ایمان دارند، آینده را از راه خوش بینی و توأم با عدالت و انسانیت و شرف و فضیلت می‌دانند و معتقدند که سرانجام حیات جهان امیدبخش و روزگار به کام مستضعفان است. (قائمی، بی‌تا: ص ۱۳)



ج. منجی از دیدگاه ادیان و مذاهب

۱. زرتشت و متون پهلوی

در خصوص وعده ظهور منجی آخرالزمان در اوستا باید گفت که کتاب اوستا در گذر قرون متمادی دچار صدمات بسیار شده است. ظاهراً در اوستای عهد ساسانی یک بخش راجع به موعود مزدیسنا به نام «بامداد نسک» بوده که امروزه در دسترس نیست. این فرد یا افراد در اوستا با نام سوشنانت یا سوشیانس شناخته می‌شوند این واژه غالباً به معنی «رهاننده» تعبیر شده است (ابراهیم، ۱۳۸۱: ص ۲)

از قطعات اوستا چنین برمی‌آید که زرتشت در مورد فرد یا افراد خاصی سخن می‌گوید که

پس از وی ظهور کرده و پیام آور خیر و نیکی خواهند بود. در مجموعه اوستا، واژه سوشیانس چه بصورت جمع و چه مفرد به دفعات استفاده شده است (ابراهیم، ۱۳۸۱، ص ۲۴)

اصول کتب آسمانی کلی گرا بوده و تفاسیر به تشریح کلیات پرداخته‌اند. بر اوستا نیز در ادوار مختلف شهر وحی حمل شده است. روایات موجود در متون پهلوی مانند کتاب دینکرد نیز حاکی از وجود موعود مزدیسناست (برداشت از ابراهیم، ۱۳۸۱، ص ۲۹، ۳۰)

در پتیت ایرانی باب ۲۲ نیز آمده: آخرین کسی که به زمین می‌آید، سوشیانس است که جهان را پاک می‌کند (راشد محصل، ۱۶۹، ص ۴۰)

در اوستای نو (فروهر) نیز - روح الهی - وجود سه منجی ستایش شده و اسامی آن‌ها بیان شده است (ابراهیم، ۱۳۸۱، ص ۳۲)؛ و این نکته وجود دارد که پس از ظهور هر یک منجی‌های مزدیسنا آن‌ها مدتی از عمر خود را از قومشان غایب شده و نزد خداوند تشریف می‌یابند و احتمالاً به اخذ اسرار الهی و رموز دینی، دعا و مناجات به درگاه پروردگار و مکالمه با او روزگار می‌گذرانند و پس از انقضای این مدت بازگشته و قیام خویش را آغاز می‌کند (ابراهیم، ۱۳۸۱، ص ۴۱-۴۰)

۲. یهودیت

- قوم برگزیده، سرزمینی موعود

در بسیاری از آثار مسیحاشناسی یهودی بحث از برگزیدگی قوم مستقل نیامده و معمولاً در ضمن بحث‌های دیگر گنجانده شده اما ظاهراً مفهوم قوم اسرائیل توجه خاص «یهود» خدای اسرائیل به این قوم که تا حد «قوم خدا» بالا برده می‌شود، یک بحث محوری در نجات‌شناسی و منجی‌شناسی تاریخ سنت یهودی است و می‌توان گفت آموزه عهد عتیق در باب قوم برگزیده یعنی قوم منتسب به خدا که به خاطر داشته‌هایش، برتر از همه مردم روی زمینی قرار دارد کلید اصلی و مهم معنا و اهمیت بنی اسرائیل است و مفهوم «قوم اسرائیل» همواره با دو مفهوم «یهود» و «سرزمین موعود» سه مفهوم محوری را در تاریخ این قوم تشکیل می‌دهند.

در دوره‌های مختلف تاریخی مفاهیمی مثل «مسیحا» نیز مورد توجه یهودیان قرار گرفته اما



هرگز از توجه به قوم و قومیت‌گرایی آنان کاسته نشده و همواره مفاهیم دیگر تحت تأثیر این مفهوم قرار داشته است (برداشت از آژیر، ۱۳۹۲، ص ۱۲۴-۱۱۷)

طبق متون عهد عتیق و بررسی‌های دقیق ملاحظه می‌شود که سرزمین کنعان در دوره‌های اولیه قوم اسرائیل و پیش از فتح «سرزمین مقدس» و «محل حضور خدا» تبدیل می‌شود و فقه و احکام خاص به آن نیز شکل می‌گیرد (آژیر، ۱۳۹۲، ص ۱۱۹)

پس از تحول در معناشناسی نجات گاهی بهشت موعود با اورشلیم سرزمین اسرائیل یکی گرفته می‌شود و پادشاهی خداوند یا مسیحا که پسر خداست در این سرزمین شکل می‌گیرد.

در یهودیت دوره ربانی و پس از آن رهیافت‌های مختلفی به مسئله نجات وجود داشت اما همواره نقش سرزمین مقدس نقش محوری بود. مسئله نجات در دین یهود با دو مفهوم قوم خدا و سرزمین موعود گره خورده و هرگاه از نجات سخن گفته‌اند مقصود حفظ یا بازگشت پیروزمندانه قوم اسرائیل به سرزمین موعود است (آژیر، ۱۳۹۲، ص ۱۲۴)

- موعود یهود یا ماشیح

یهودیان معتقدند که در آخرالزمان «ماشیح» مهدی بزرگ، ظهور می‌کند و تا ابد در جهان حکومت می‌کند او را از اولاد حضرت اسحاق (می‌پندارند در صورتیکه تورات کتاب یهود او را صریحاً از اولاد حضرت اسماعیل) دانسته است. (بیدی، رنجبر زاده، ۱۳۹۳، ص ۵۵)

- موعود در نگاه منابع یهود

در تورات بخصوص در اسفار پنج‌گانه، هیچ سخن صریحی درباره ماشیح و موعود وجود ندارد اما در بخش‌های دیگر مثل مزامیر داوود و یا در پیشگویی‌های انبیایی مثل عاموس، هوشع، اشعیا، دانیال و ملاکی در این زمینه مطالبی دیده می‌شود. بخصوص از اشعیا دوم به بعد این مطلب همانگون که آمده، پررنگ‌تر دیده می‌شود.



در کتب دیگر یهود نظیر تلمود بحث مسیحا یا ماشیح مشاهده می‌شود (شاکری زوردهی، ۱۳۸۹، ص ۵۲).

هودیان در سراسر تاریخ پر رنج خود، هرگونه خواری و شکنجه را با این امید برخورد هموار می‌کردند که روزی ماشیح بیاید و آنان را از گرداب ذلت و درد رنج برهاند و برجهان سروری دهد (شاکری زوردهی، ۱۳۸۶، ص ۵۳).

در قسمت‌هایی از عهدی قدیم نیز انتظار مسیح برجسته شده است و بسیاری از انبیاء، آمدن فردی از نسل داوود (را وعده داده‌اند؛ کسی که بنی‌اسرائیل را نجات داده و حکومت داوود و سلیمان) بار دیگر ایجاد می‌کند تا جایی که بنی‌اسرائیل خود را به وعده فرج تسلی می‌دادند (حسینی گرگانی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۵).

در عهد عتیق در کتاب‌های «دانیال پیامبر»، «حجی پیامبر»، «اشعیای پیامبر» و «صفنیای نبی»، واژه‌های آخرالزمانی، انتظار، ظلم ظالمان و شیران، آمده است (اسماعیل تبار، ۱۳۸۸، ص ۲۶).

در کتب یهودیت از منجی با نام‌هایی از قبیل «بنده عاقل»، «پادشاه و شعبان»، «داوود»، داوودی که در آخرالزمان مبعوث خواهد شد، یکی از ذریه داوود نام برده شده است. (امامی کاشانی، ۱۳۸۶، ص ۳۷۰-۳۶۹).

۳. مسیحیت

- واژه پریکلیتوس و انطباق آن بر منجی جهانی

انجیل یوحنا در میان اناجیل چهارگانه بیشترین توجه محافل علمی غربی را به خود معطوف داشته است. در این انجیل واژه پریکلیتوس چهار بار تکرار شده که در سه مورد به بعثت و رسالت خاتم‌الانبیاء و در یک مورد به ظهور منجی آخرالزمان بشارت داده است. (امامی کاشانی، ۱۳۸۶، ص ۳۵۸).



- موعده مسیحیت: ماشیح

مسیحیت تنها دینی است که از دل دین دیگری (یهود) بیرون آمد. این ویژگی ممتاز مسیحیت است. مسیحیت یک مذهب از مذاهب مختلف یهود است ولی بنا بر دلایلی آن را حد و دین مستقل می‌دانیم (شاکری زواردهی، ۱۳۸۹، ص ۶۸)

عیسی (علیه‌السلام) عده‌ای ادعای ماشیح مطرح شد. پیروان او همین یهودیان بودند زیرا بر اساس یک باور یهودی، منجی ماشیح شکل گرفت بر اساس آموزه‌های مسیحیت نه عیسی ادعای دین جدید دارد و نه جماعتی که اطراف او جمع شدند، همه مدعی بودند که یهودی هستند، منتهی همان موعود و منجی که منتظرشان بودند ظهور کرده است.

در عهد عتیق تعابیر کنایه‌ای درباره موعده (مثل پسر انسان) آمده، کنایه از ماشیح است، ولی در عهد جدید (یعنی من، یابنده) آنچه که باعث به دار کشیده شدن عیسی (است، ادعای ماشیح بودن ایشان است نه ادعای دین جدید و زایل کردن دین قدیم (شاکری زواردهی، ۱۳۸۹، ص ۶۹)

لذا مسیحیت را عرفان یهودی می‌دانند، یعنی مسیحیت جدایی بین و آشکاری با یهودیت ندارد کتاب مقدس مسیحیان عهدین است که شامل عهد عتیق و عهد جدید می‌باشد. عهد عتیق همان تورات است که مورد قبول آن‌هاست و به همین جهات آن‌ها به عهد عتیق استدلال می‌کنند، واژه کاملاً مسیحی است و یعنی خداوند دوبار با انسان عهد بسته است (شاکری زواردهی، ۱۳۸۹، ص ۷۰)

د. هندوها

در کتاب او پانیشادها که از کتب معتبر از منابع مهم هندهاست و همچنین در کتاب‌های باسک و وشن جوک که از کتب مقدس و آسمانی هندوها می‌باشد، درباره بشارت ظهور منجی و موعود منتظر مطالبی آمده است. همین طور در کتاب ریگ ودا بشارت ظهور نجات دهنده به چشم می‌خورد (ر.ک: حسینی گرگانی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۴)



همچنین در آیین هندو در کتب پورانا از منجی عصر کالی خبر داده شده که عصر کالی همان آخرالزمان است که دهمین «آواتارای ویشنو» ظهور خواهد کرد (برداشت از اسماعیل تباد، ۱۳۸۸، ص ۲۶)

ه. سایر مذاهب و مکاتب

بودایی‌ها: بوداییان بر این عقیده‌اند که بودای پنجم ظهور خواهد کرد. (برداشت از اسماعیل تبار، ۱۳۸۸، ص ۲۶)

چینی‌ها: معتقدند که «کرشنا» ظهور خواهد کرد و جهان را نجات می‌دهد. (بیدی، رنجبر زاده، ۱۳۹۳، ص ۵۸)

ایرانیان باستان: معتقد بودن که «گرزاسپه» قهرمان تاریخی آن‌ها زنده است و در «کابل» خوابیده و صد هزار فرشته او را پاسبانی می‌کنند تا روزیکه بیدار شود و قیام کند و جهان را اصلاح کند. (بیدی، رنجبر زاده، ۱۳۹۳، ص ۵۶)

گروهی دیگر از ایرانیان می‌پنداشتند که کیخسرو ظاهر می‌شود و اهریمن را از گیتی می‌داند (ر.ک: بیدی و رنجبر زاده، ۱۳۹۳، ص ۵۶)

نژاد اسلاو: معتقد به برخاستن کسی از مشرق زمین و متحد ساختن قبایل اسلاو (ر.ک: بیدی و رنجبر زاده، ۱۳۹۳، ص ۵۷)

نژاد ژرمنی: معتقد به فاتحی از طوایف خود و حکومت در دنیا (برداشت از بیدی و رنجبر زاده، ۱۳۹۳، ص ۵۷).

اهالی صربستان: انتظار ظهور «مارکو کوالیویچ» (ر.ک: بیدی و رنجبر زاده، ۱۳۹۳، ص ۵۶)

اهالی جزایر انگلستان: انتظار ظهور «آرتور» از جزیره «آوالون» (ر.ک: بیدی و رنجبر زاده، ۱۳۹۳، ص ۵۷)

«اسن» ها: اعتقاد به ظهور به پیشوای گشاینده ملکوت آسمان



«سلت» ها: قیام «بوریان بور و یهیم»

اقوام اسکانندیناوی: ظهور «اودینی»

اقوام اروپایی مرکزی: ظهور «بوخص»

اقوام آمریکای مرکزی: ظهور «کوئر لکوتل»

قبایل «ای پوور»: روزی که نبردی بروز نکند به سبب پادشاه دادگر در جهان

یونانیان: ظهور «کالویبرگ» نجات دهنده بزرگ (ر.ک: بیدی و رنجبر زاده، ۱۳۹۳، ص ۵۷)

نصارا: ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی و الشریف) با اختلاف اوصاف او.

اقوال مغول، سرخ پوستان، بابلیان و...: ظهور چنگیزخان، یا ظهور منجی (برداشت از

بیدی و رنجبر زاده، ۱۳۹۳، ص ۵۸)

جحدودان: اعتقاد به ظهور مسیح (پادشاهی) از میان جهان و آزادی جحدودان

و. اهل سنت

در منابع و اعتقادات اهل سنت از جمله در «صحیح بخاری» و «مسند» احمد حنبل که از متون اصلی اهل سنت هستند و همچنین اکثر کتب عامه اهل سنت نیز مطلب چنین است و اساساً مجموعه‌هایی مکتوبی که در خصوص حضرت مهدی (عجل الله تعالی و الشریف) و مقام مهدویت و مقام منجی بشر مطرح شده است بسیار می‌باشد. (انصاری، ۱۳۸۳، ص ۱۰۸)

اما اهل تسنن با شیعیان در برخی از موارد اختلافاتی مانند؛ ولادت حضرت مهدی (عج الله تعالی الشریف)، از نسل امام حسن یا امام حسین (علیه‌السلام) بودن ایشان، نام پدر ایشان دارند و غالب آن‌ها معتقد به متولد نشدن حضرت مهدی (عجل الله تعالی الشریف) و از نسل امام مجتبی

بودن ایشان هستند (ر.ک: اکبرنژاد، بی‌تا، ص ۲۰۷-۲۰۴)



ز. شیعیان

عقاید شیعه دوازده امامی همواره مؤکد وجود منجی در آخرالزمان می‌باشد که هم عالمان و صاحب‌نظران و هم مردم عادی بر آن اجماع دارند و آن را از ضروریات مذهب شیعه می‌دانند. امام زمان در عصر محمدی انسان کاملی است که جز در نبوت تشریحی و دیگر مناصب متأثره ختمی، حائز میراث خاتم به نحو اتم است و مشتمل بر علوم و احوال و مقامات او بطور اکمل است؛ و با بدن عنصری در عالم طبیعت و سلسله زمان موجود است. (حسن زاده آملی، بی‌تا، ص ۷)

ایمان به مهدی موعود و ایمان به غیبت و ظهور آن حضرت از بدهاء اسلام اذهان مسلمین بود درباره منجی موعود روایات زیادی در کتب شیعه موجود است به‌عنوان مثال: در باب سیزدهم کتاب غیبت نعمانی از امام صادق نقل شده است؛ آنان را خداوند می‌شناسد، ولی این آیه درباره قائم نازل شده است که او آنان را از قیافه شان می‌شناسد و او و یارانش آنان را از دم شمشیر می‌گذرانند (نعمانی، ۱۳۶۳: ص ۲۸۳)

همچنین در مکیال المکارم آمده است؛ در حدیث مفصل آمده که: خروج می‌کند در حالیکه ابری بالای سرش سایه افکنده و منادی ندا می‌کند: این مهدی خلیفه خداست، از او پیروی کنند (موسوی اصفهانی، ۱۳۹۳: ص ۱۲)

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نیز در نهج‌البلاغه به این موضوع اشاره می‌کنند: ... و چه نزدیک است امروز ما به فردایی که سپیده آن آشکار شده. ای مردم! اینکه ما در آستانه تحقق وعده-های داده شده و نزدیکی طلوع آن چیزهایی که بر شما پوشیده و ابهام‌آمیز است، قرار دادیم.

ج. وحدت‌گرایی در موعودگرایی

۱. وحدت‌گرایی

منجی‌گرایی و موعود باوری در ادیان در برخی از موضوعات به وحدت و همسویی می-



گراید که از جمله می‌توان به «آینده‌نگری مثبت»، «اعتقاد به ظهور موعود و حتمیت آن» و «آسمانی بودن منجی» اشاره کرد. (برداشت از الهی نژاد، ۱۳۸۷: ص ۹۹-۸۷)

وحدت‌گرایی یکی از گرایش‌های اساسی و فطری است که در وجود همه انسان‌ها، به چشم می‌خورد، زیرا وحدت‌گرایی که عامل پیشرفت و ترقی به شمار می‌آید مورد علاقه و محبت همه انسان‌ها است. بدین جهت همگانی بودن وحدت‌گرایی را می‌توان یکی از خواسته‌های امور فطری برشمرد. موعودگرایی که یک باور فراگیر و عمومی و مورد قبول کلیه باورمندان ادیان آسمانی است به حس وحدت‌گرایی پاسخ مثبت داده و علاوه به این در عصر ظهور و تشکیل حکومت جهانی به خواسته‌های فطری انسان‌ها جامعه عمل می‌پوشاند (الهی نژاد، ۱۳۸۷: ص ۸۴)

۲. ویژگی‌های مشترک منجی در ادیان

- تقدیر الهی در پیروزی و حاکم شدن حق و شکست باطل
- نقش رهبری دینی در برقراری وضعیت آرمانی و موعود
- برقراری حکومت دینی به دست منجی موعود و نابودی حکومت‌های ظالمانه و ستمگر
- حاکمیت دینی بر زندگی انسان‌ها و سبط و گسترش عدالت (بیدی و رنجبر زاده، ۱۳۹۳: ص ۶۱)



نتیجه بحث

اندیشه پیروزی نهایی بشر و شکست ظالمان و مفسدان جوامع، برقراری یک حکومت جهانی که صلح، آرامش و امنیت را به همراه داشته باشد و امید به زندگی پاک و بدون مفاسد در دنیا، همواره از اصلی‌ترین مسائل جوامع بشری بوده است و همیشه مهم‌ترین مسائل و آرزوی



انسان‌ها را شکل داده است.

چگونگی دستیابی به این اهداف در کتب بسیاری ذکر شده که در اینجا مجال پرداختن به آن‌ها نبوده لیکن با توجه به یافتن ریشه‌های اندیشه مهدوی در تمام اعصار و قرون و در تمام مذاهب و مکاتب که از احساس فطری عدالت‌طلبی آن‌ها برخاسته است، «حرکت به سوی وحدت مهدوی»، قطعاً می‌تواند از اثرگذارترین تحرکات اجتماعی برای رسیدن به عصر ظهور باشد. به امید روزی که جهان پر از عدل و داد گردد همچنانکه پر از ظلم و جور گشته است.



منابع و مأخذ

* قرآن، ترجمه ناصر مکارم شیرازی

* نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی

۱. اسماعیل تبار، احمد، آخرین منجی، تهران، فرهنگ سبز، ۱۳۸۸.

۲. اکبرنژاد، مهدی، بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل تسنن، قم، بوستان کتاب، بی تا.

۳. امامی کاشانی، محمد، خط امان در ولایت صاحب الزمان (عجل الله تعالی و الشریف)، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.

۴. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، بی جا، مشفق، ۱۳۶۷.

۵. انصاری، محمدعلی، دولت موعود، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۳.

۶. الهی نژاد، حسین، اتحاد و همگرایی در پرتوی مهدویت و موعودگرایی، بی جا، آیین



احمد، ۱۳۸۷.

۷. آذیر، اسدالله، منجی باوری در کیش زرتشتی و ادیان ابراهیمی، بی جا، دانشگاه ادیان

و مذاهب، ۱۳۹۲.

۸. بیدی، فاطمه و اکبر رنجبر زاده، روانشناسی انتظار، تهران، آوای نور، ۱۳۹۳.

۹. حسن زاده آملی، حسن، نهج البلاغه، قم، قیام، بی تا.

۱۰. حسینی گرگانی، میر تقی، نزول مسیح در ادیان، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۰.

۱۱. راشد محصل، محمدتقی، نجات بخشی در ادیان، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و

مطالعات فرهنگی، ۱۳۶۹.

۱۲. شاکری زواردهی، محمدتقی، منجی در ادیان، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی

موعود(عجل الله تعالی و الشریف، ۱۳۸۹).

۱۳. شفیعی سروستانی، ابراهیم، در انتظار موعود، تهران، موسسه فرهنگی

موعود، ۱۳۷۶.

۱۴. قائمی، علی، نقش سازندگی انتظار، بی جا، بی تا.

۱۵. مطهری، مرتضی، قیام انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، قم، جامعه مدرسین

حوزه علمیه قم، بی تا.

۱۶. موسوی اصفهانی، سید محمدتقی، مکیال المکارم، ترجمه سید مهدی حائری

قزوینی، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۹۳.

۱۷. نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت، قم، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۶۳.

